

## برهان وجودی قدیس آنسلم و علامه کمپانی

غلامرضا رحمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

قدیس آنسلم بر آن است که حتی آدم احمق و سفیه نیز در ذهن خود واجد تصویری از «موجودی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد» است و داشتن تصور مزبور از راه آموختن حاصل نمی‌گردد، به عبارت دیگر تصور «موجودی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد» تعلیمی نیست، بلکه هر کس حتی آدم ابله، بی‌خرد و نادان نیز آن را با خود به دنیا می‌آورد، به عبارت دیگر مفهوم خداوند به عنوان «چیزی که نتوان بزرگتر از آن را تصور کرد» ذاتی و فطری انسان است و به همین دلیل است که قدیس آنسلم بر این باور است که حتی سفها نیز در ذهن خود واجد تصور و مفهوم «موجودی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد» هستند. از دیدگاه علامه کمپانی هرگاه به مفهوم و خوب به طور دقیق و عمیق نظر افکنده شود از صرف تصور دقیق آن، تصدیق عینی و خارجی آن لازم خواهد آمد، به عبارت دیگر نظر دقیق و عمیق در مفهوم و خوب، وجود و حقیقت عینی و خارجی واجب الوجود بالذات را اثبات خواهد کرد.

### واژگان کلیدی

آنسلم، کمپانی، برهان وجودی، برهان صدیقین، تصور، موجود، کمال مطلق.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، تاکستان، ایران.

### طرح مسئله

قدیس آنسلم ایتالیایی (۱۰۳۳م. - ۱۱۰۹م.) اسقف اعظم کانتربوری با عنایت به سخن سفیه<sup>۱</sup> در کتاب مزامیر<sup>۲</sup> داود (علی نبیا و علیه السلام) برای اثبات وجود خداوند کتاب مونولوژیوم<sup>۳</sup> یا خطابه با خود یا حدیث نفس را تألیف نمود. کتاب مزبور پس از انتشار مورد انتقاد گونیلو، گونیلون و یا «گاونیلون»<sup>۴</sup> اهل مارموتیر<sup>۵</sup> و سرپرست دیر مارموتی فرانسه قرار گرفت. وی در نقد برهان هستی‌شناختی آنسلم کتابی به نام «از طرف سفیه یا احمق»<sup>۶</sup> یا «به نیابت از احمق»<sup>۸</sup> تألیف کرد. آنسلم نیز در پاسخ به انتقادهای گونیلو کتاب پرسولوژیوم<sup>۹</sup> یعنی گفتگو یا خطابه با غیر را تألیف نمود.<sup>۱۰</sup> آنسلم در کتاب «گفتگو با غیر... از مفهوم خدا شروع می‌کند و به خدا به عنوان واقعیتی موجود می‌رسد.»<sup>۱۱</sup> وی در کتاب مزبور دو تقریر از برهان هستی‌شناختی ارائه می‌دهد.<sup>۱۲</sup> تقریر اول صرفاً به اثبات وجود خداوند می‌پردازد اما تقریر دوم علاوه بر اثبات وجود خدا، وجوب و وحدت او را

۱. fool

۲. ر. ک. مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۲۰، ص ۲۴ / احق در دل خود میگوید که خدائی نیست. کتاب مقدس، کتاب مزامور، مزبور چهاردهم، آیه ۱ ص ۸۳۷ /

۳. Monologium

۴. برهان وجودی از آنسلم تا کانت، ص ۱۶.

۵. Gaunilo of Marmouties

۶. [www. noormags. com/](http://www.noormags.com/) فیلسوفان غرب و برهان وجودی

۷. on the behalf of the fool

۸. [www. noormags. com/](http://www. noormags. com/) فیلسوفان غرب و برهان وجودی

۹. Proslogium

۱۰. ر. ک. مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۲۰، ص ۲۴ / مبانی و تاریخ فلسفه غرب ص ۱۲۵ / برهان وجودی از آنسلم تا کانت ص ۱۱.

[www. noormags. com/](http://www. noormags. com/) فیلسوفان غرب و برهان وجودی

۱۱. تاریخ فلسفه ج ۲ ص ۲۱۰.

۱۲. ر. ک. فلسفه دین ص ۲۴۰.

نیز اثبات می‌کند.<sup>۱</sup> تقریرات آنسلم از برهان وجودی به شرح ذیل است:

### تقریر اول

قدیس آنسلم خداوند را به عنوان چیزی که بزرگتر از آن را نمی‌توان تصور کرد<sup>۲</sup> تعریف می‌کند: «خدا موجودی است که بزرگتر از آن قابل تصور نیست... وقتی درباره خدا سخن می‌گوییم، خواه مؤمن و معتقد به او باشیم، و خواه ملحد و منکر او، چنین معنایی را در ذهن داریم.»<sup>۳</sup> مراد وی از قید «بزرگتر» بزرگ از لحاظ جسمانی و مادی نیست، زیرا خدا مجرد از ماده و لواحق آن است، پس مراد وی از قید «بزرگتر» وصف کامل‌تر است.<sup>۴</sup> بر اساس تفسیر اخیر از قید «بزرگتر» خداوند چیزی است که کامل‌تر از آن را نمی‌توان تصور کرد. «آنسلم برهان وجودی خود را با گزاره تعریف خدا به عنوان موجودی که موجودی بزرگتر - یا بهتر - از او قابل تصور نیست، ارائه می‌دهد. در تکمله این گزاره مسلم است که باید در نظر داشت منظور از «بزرگتر»، بحثی کمی نیست بلکه مراد کاملتر است،<sup>۵</sup> از این رو «او گاهی به جای واژه بزرگتر واژه برتر را به کار می‌برد»<sup>۶</sup> تا تا برخی آن را به بزرگتر از لحاظ کمی تفسیر نکنند. تقریر اول برهان وجودی آنسلم به شرح ذیل است:

مقدمه صغری: خداوند موجودی است که کامل‌تر از آن را نمی‌توان تصور کرد.  
مقدمه کبری: موجودی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد باید نه تنها در ذهن بلکه

۱. ر. ک. فلسفه دین ص ۲۴۱ / مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۲۰ ص ۲۶

۲. Cosus Quo maqister non eisitau Panit. ۲۴۰ ص فلسفه دین ص

A History of philosophy, vol. 2, p. 162 / The Encyclopedia of philosophy, vol. 5, p. 538/

۳. ر. ک. مبانی و تاریخ فلسفه غرب ص ۱۲۵.

۴. برهان وجودی از آنسلم تا کانت ص ۱۳.

۵. ر. ک. خدا در فلسفه ص ۴۳ /

The Encyclopedia of philosophy, vol. 5, p. 538.

۶. مروری بر کتاب برهان وجودی از آنسلم تا کانت / www.bashgah.net

۷. برهان وجودی از آنسلم تا کانت ص ۱۳.

در خارج از ذهن نیز موجود باشد.

نتیجه: پس خداوند موجودی است که نه تنها در ذهن بلکه در خارج از ذهن نیز موجود است.<sup>۱</sup>

دلیل مقدمه کبری آن است که چیزی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد اگر صرفاً و منحصرأ در ظرف ذهن باشد نه در عالم خارج از ذهن آدمی باید بتوان بزرگتر از آن را تصور کرد و این امر مستلزم خلف و تناقض است. بنابراین چیزی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد باید علاوه بر اذهان در خارج از اذهان نیز وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

### تقریر دوم

آنسلم در فصل سوم کتاب «خطابه با دیگری» تقریر دیگری از برهان هستی‌شناختی را ارائه می‌دهد که هم توان اثبات وجود ذات خدا را داشته باشد و هم قدرت اثبات صفات او را. تقریر دوم برهان هستی‌شناختی به شرح ذیل است:

خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن نتوان تصور کرد» علاوه بر ذهنیت<sup>۳</sup> باید عینیت<sup>۴</sup> نیز داشته باشد و گرنه مستلزم خلف خواهد بود، زیرا چیزهایی که وجود امکانی دارند را می‌توان تصور کرد که صرفاً دارای وجود ذهنی<sup>۵</sup> هستند اما چیزی که وجود واجب و ضروری<sup>۶</sup> دارد یعنی واجب‌الوجود<sup>۷</sup> است را نمی‌توان تصور کرد که صرفاً وجود ذهنی داشته باشد، زیرا آنچه را که نتوان تصور کرد که وجود نداشته باشد بزرگتر از چیزی

۱. A History of philosophy, vol. 2, p. 162/

ر. ک. کلیات فلسفه، دکتر اصغر دادبه ص ۱۶۲.

۲. ر. ک. فلسفه دین صص ۲۴۱-۲۴۰/ سیر حکمت در اروپا ج ۱ صص ۱۴۱-۱۴۰/ مبادی و تاریخ فلسفه غرب ص ۱۲۵/ و نیز ر. ک. مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملا صدرا ج ۴ صص ۳۴۸-۳۴۷/ هرم هستی ص ۵۸/ دائره المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۱ ص ۶۵۴/ خردنامه صدرا، سال ۷۶، ش ۱۹ صص ۳۴-۳۳

۳. subjectivity

۴. objectivity

۵. subjective being

۶. necessary

۷. necessary of being

است که می‌توان تصوّر کرد وجود نداشته باشد و آنچه را که نتوان تصوّر کرد که وجود نداشته باشد باید عیناً و ذهناً وجود داشته باشد،<sup>۱</sup> بعلاوه اگر چیزی که نتوان بزرگتر از آن را تصوّر کرد در عالم خارج از ذهن عینیت و تحقّق نداشته باشد باید بتوان چیزی بزرگتر از آن را تصوّر کرد و حال آن که خدا بنا بر تعریف چیزی است که بزرگتر از آن را نتوان تصوّر کرد.

بدین ترتیب آنسلم «معتقد بود که هر کس که بفهمد منظور از الفاظ «خدا» یا «موجود متعال» چیست، در خواهد یافت که چنین وجودی باید موجود باشد. خدا آن وجودی است که بزرگتر از او نمی‌توان تصوّر کرد. چون من می‌توانم این تعریف را بفهمم، می‌توانم خدا را تصوّر کنم. بعلاوه، خدا را چنان می‌توانم تصوّر کنم که نه تنها به عنوان یک مفهوم در ذهن من، بلکه به عنوان موجود در واقعیت نیز یعنی مستقل از تصور و اندیشه من، وجود دارد. از آنجا که وجود داشتن هم به عنوان یک تصور و هم به عنوان یک شیء واقعی، بزرگتر است از وجود داشتن صرفاً به عنوان یک تصور، خدا باید هم در واقع و هم به عنوان یک تصور وجود داشته باشد. بر حسب تعریف، خدا آن است که بزرگتر از او نتوان تصوّر کرد. بنابراین خدا باید در واقعیت وجود داشته باشد، و گرنه چیزی بزرگتر از خدا می‌توان تصوّر کرد (یعنی موجودی که علاوه بر همه صفات خدا هستی واقعی نیز داشته باشد)، و این، به واسطه همان تعریف خدا یا موجود اعلی و کامل، غیر ممکن است.»<sup>۲</sup>

### اشکالات گونیلو

اولین منتقد برهان مزبور گونیلو است. وی در کتاب «از طرف سفیه» یا «رساله دفاع از ابله در مقابل آنسلم در برهان گفت و گوی با غیر»<sup>۳</sup> دو اشکال بر برهان هستی شناختی آنسلم وارد می‌سازد و برای آنسلم ارسال می‌کند، آنسلم نیز به انتقادات و اشکالات وی پاسخ می‌دهد. «آنسلم پس از مرگ وی رساله‌ای را برای جوابگویی به آن فرستاد که زیاد

۱. ر. ک. خدا در فلسفه ص ۴۴ / تاریخ مختصر فلسفه جدید، ص ۴۴.

۲. کلیات فلسفه، ص ۲۳۸.

۳. تاریخ فلسفه، ج ۲، ص ۲۱۲.

به طور فلسفی در آن بحث نمی‌کند.<sup>۱</sup> وی اعتراضات گونیلو را در فصل دوم از کتاب «خطابه با دیگری» و پاسخ‌های خود را در فصل سوم آن می‌گنجاند. از دیدگاه قدیس آنسلم هر انسانی در ذهن خود تصویری از خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن نتوان تصور کرد» را دارد حتی آدم سفیه و احمقی که با زبان خود هستی و وجود خداوند را انکار می‌کند در دل خود تصویری از «چیزی که بزرگتر از آن نمی‌توان تصور کرد» را دارد<sup>۲</sup> و به محض آن که مفهوم خداوند را ادراک نماید به وجود عینی و خارجی ذات او اذعان و اقرار می‌نماید، زیرا از تعریف خدا بالضرورة نتیجه می‌شود که ذات او در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق، عینیت و تحصیل دارد.<sup>۳</sup> اشکالات گونیلو بر تقریر آنسلم به شرح ذیل است:

### اشکال اول

اولین اشکالی که گونیلو در کتاب «از طرف سفیه» بر تقریر آنسلم از برهان هستی‌شناختی وارد می‌سازد آن است که در برهان مزبور از تصور مفهوم شیء که امری ذهنی است به وجود شیء که امری عینی است استدلال شده است اما باید گفت مفهوم و تصور هیچ چیزی دلیل بر تحقق و عینیت آن در عالم خارج از ذهن آدمی نیست. بنابراین از این که من مفهوم و تصویری از «کامل‌ترین موجودی که کامل‌تر از آن قابل تصور نیست» را در ذهن خود دارم دلیل بر تحقق عینی و تحصیل خارجی کاملترین موجود نیست.<sup>۴</sup> بر اساس اشکال مزبور صرف داشتن تصویری در ذهن لازم نمی‌آید که آن تصور واجد مصداقی در عالم اعیان باشد، زیرا این تصور ذهنی نیست که عینیت و مابازای خود را در عالم خارج از ذهن آدمی تضمین می‌کند بلکه برعکس این حقیقت خارجی است که مفهوم خویش را در عالم اذهان تضمین می‌کند.

۱. [www. fa. wikipedia. org](http://www.fa.wikipedia.org) برهان وجودی

۲. ر. ک. سیر حکمت در اروپا ج ۱ ص ۱۱۴-۱۱۳

۳. ر. ک. کلیات فلسفه ص ۲۴۰

۴. A History of philosophy, vol. 2 p. 163

## اشکال دوم

اشکال دوم گونیلو بر برهان هستی شناختی آنسلم آن است که اگر «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق داشته باشد پس باید کامل ترین جزیره ای که ما تصور می کنیم نیز در جایی از عالم تحقق داشته باشد و گرنه کامل ترین جزیره نخواهد بود و حال آن که تصور کامل ترین جزیره ای که کامل تر از آن قابل تصور نباشد هرگز مستلزم تحقق و عینیت آن در عالم خارج از ذهن آدمی نیست. بنابراین از تصور کامل ترین چیز لازم نمی آید که آن چیز در عالم عینی و خارجی هم تحقق و تحصیل داشته باشد.<sup>۱</sup>

بر اساس اشکال مزبور صرف تصور کامل ترین چیز هرگز مستلزم عینیت و تحقق خارجی آن نمی شود و گرنه صرف تصور کامل ترین شیء خیالی و افسانه ای باید آن شیء در جایی از عالم اعیان تحقق و تحصیل داشته باشد، زیرا اگر در هیچ جایی از عالم خارج تحقق نداشته باشد تناقض لازم خواهد آمد، زیرا شیء خیالی ای که بزرگتر از آن را نمی توان تصور کرد شیء بزرگتر نخواهد بود و این چیزی جز خلف و تناقض نیست.

## پاسخ آنسلم

پاسخ قدیس آنسلم به انتقادات و اشکالات گونیلو آن است که مفهوم و تصور ذهنی در مورد هر چیزی مستلزم عینیت و تحقق خارجی آن چیز نیست بلکه قاعده مزبور صرفاً و منحصرأ جاری می گردد. پس تنها در یک مورد است که تصور ذهنی مستلزم عینیت مصداق و مابازای آن در عالم خارج از ذهن آدمی است نه در همه موارد و آن مورد خاص و منحصر به فرد مفهوم و تصور خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» می باشد، زیرا وجود خداوند ضروری و واجب است اما وجود سایر موجودات، ممکن است، به عبارت دیگر خداوند واجب الوجود بالذات است اما سایر موجودات ممکن الوجود بالذات می باشند، از این رو اشکال جزیره خیالی بر برهان هستی شناختی وارد نیست. دلیل مطلب مزبور آن است که تصور کامل ترین جزیره ممکن الوجود است، زیرا

۱. A History of philosophy, vol. 2 p. 163/

و نیز ر. ک. خردنامه صدرا، سال ۷۶، ش ۱۹ ص ۳۴ / برهان وجودی از آنسلم تا کانت صص ۱۷-۱۶.

هستی و وجود برای جزیره واجب نیست بلکه ممکن است اما کامل‌ترین چیزی که نتوان کامل‌تر از آن را تصور کرد واجب‌الوجود است، زیرا هستی و وجود برای ذات آن واجب و ضروری بل عین وجوب و ضرورت است، از این رو انکار تحقق خارجی و تحصیل عینی واجب‌الوجود مستلزم خلف و تناقض است، زیرا از طرفی گفته می‌شود وجود برای آن ضروری است و از طرفی دیگر اگر در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق نداشته باشد ذات او هم واجب می‌شود و هم ممکن و اجتماع واجب و ممکن در ذاتی واحد اجتماع نقیضین است و اما انکار تحقق خارجی و تحصیل عینی کامل‌ترین جزیره ممکن مستلزم تناقض نیست، زیرا وجود برای ذات آن ضروری نیست تا از عدم تحقق آن اجتماع نقیض لازم آید. بنابراین صرف تصور کامل‌ترین جزیره هرگز مستلزم عینیت و تحقق خارجی آن نمی‌شود اما از صرف تصور کامل‌ترین چیزی که نتوان کامل‌تر از آن را تصور کرد عینیت و تحقق خارجی آن استنتاج می‌گردد. پس خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد» در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق دارد.<sup>۱</sup>

### اشکال آکویناس

توماس آکوئینی اشکالات و انتقاداتی بر تقریر آنسلم از برهان هستی شناختی وارد ساخته است که برخی از آنها تکرار همان انتقادات گونیلو می‌باشد. «برای مثال توماس از جمله مشائیونی است که اعتقاد دارد که نفس انسان به مانند لوح سفیدی است که هیچ مفهومی را درخود دارا نمی‌باشد بلکه هر مفهومی را که دارا می‌باشد از طریق عالم محسوسات است. و از دیدگاه توماس برهان باید از عین به عین یا از معلول به سوی علت باشد. پس کسی مثل توماس که برهان را از معلول به علت می‌داند نمی‌تواند برهان آنسلم را که از علت به معلول است بپذیرد.»<sup>۲</sup>

و اما اشکال و انتقاد اختصاصی و ابتکاری آکوئینی بر تقریر آنسلم از برهان هستی شناختی آن است که برهان مزبور در صورت صحّت و ثرستی آن هرگز نمی‌تواند وجود

۱. ر. ک. فلسفه دین ص ۲۴۳ / خدا در فلسفه ص ۴۵ / برهان وجودی از آنسلم تا کانت صص ۱۹-۱۷.

A History of philosophy, vol. 2, p. 163.

۲. [www. fa. wikipedia. org](http://www.fa.wikipedia.org) / برهان وجودی.



عینی و خارجی خداوند را اثبات نماید، زیرا در مقدمه برهان مزبور خداوند به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» تعریف شده است و حال آن که «بزرگتر» و یا «کامل تر» یکی از صفات خداوند است. بنابراین ادعای آنسلم مبنی بر اثبات وجود خداوند از طریق برهان هستی‌شناسی مردود می‌باشد.

از طرفی دیگر نظم منطقی بحث در الهیات آن است که نخست ذات خداوند اثبات شود آنگاه صفات ثبوتی او اثبات گردد<sup>۱</sup> اما در برهان آنسلم چنین نظمی مراعات نشده است، زیرا وی قبل از آن که وجود ذات خداوند را در عالم خارج از اذهان آدمی اثبات نماید به اثبات صفات او می‌پردازد و حال آن که قبل از اثبات هستی و وجود چیزی نمی‌توان به اثبات صفات آن پرداخت،<sup>۲</sup> زیرا صفات تابع موصوف است و تابع باید پس از مطبوع اثبات گردد نه قبل از آن. بنابراین آنسلم به جای برهان هستی‌شناختی باید برهان دیگری برای اثبات وجود ذات خداوند در عالم خارج از ذهن آدمی اقامه نماید.

### پاسخ اشکال

پاسخی که از طرف قدیس آنسلم به اشکال توماس آکوئینی داده شده است آن است که اگرچه نظم منطقی بحث در الهیات ایجاب می‌کند که صفات خداوند پس از اثبات ذات او اثبات شود مع ذلک هیچ مانعی ندارد که با یک برهان هم وجود ذات خداوند اثبات شود و هم صفات او، مانند تقریر ملاصدرا از برهان صدیقین که هم ذات خداوند و هم صفات او را یکجا اثبات می‌کند.

### اشکال بر پاسخ

ممکن است بر پاسخ مزبور اشکال شود که مراد توماس آکوئینی آن نیست که آیا با یک برهان می‌توان هم ذات خداوند و هم صفات او را اثبات کرد بلکه مراد او آن است که آیا قبل از اثبات وجود چیزی می‌توان صفات آن را ثابت فرض کرد و از طریق صفات مفروض او به وجود ذات او استدلال نمود؟

۱. A Selection of Philosophical Works, p. 98.

۲. ر. ک. کلیات فلسفه صص ۲۴۱-۲۴۰.

## پاسخ اشکال

پاسخ اشکال مزبور آن است که اولاً اگر مراد توماس آکوئینی مورد اخیر نیز باشد اشکال او بر برهان آنسلم وارد نمی‌شود ثانیاً اگر صفت «کامل‌ترین موجود» و یا «بزرگترین موجود» در عالم خارج از ذهن آدمی مصداق و مابازایی داشته باشد انتقاد و اشکال آکوئینی هیچ خلل و خدشه‌ای در استحکام و صحّت برهان هستی‌شناختی آنسلم ایجاد نخواهد کرد.<sup>۱</sup>

## انتقاد مطهری

علامه شهید مرتضی مطهری رضوان الله تعالی علیه مدعای برهان هستی‌شناختی آنسلم یعنی «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصوّر نیست» را به دو نحو تقریر می‌کند و در پایان هر تقریر به اشکال اساسی آن اشاره می‌نماید و سرانجام راه صحیح اقامه برهان از طریق هستی را ارائه می‌دهد. وی در تقریر اول نفس تصوّر ذات بزرگتر را و در تقریر دوم واقعیت ذات بزرگتر را مدعای برهان آنسلم قرار می‌دهد. تقریرات مزبور به شرح ذیل است:

تقریر اول آن است که ما ذات بزرگتر یا وجود کامل را تصوّر می‌کنیم و آنچه تصوّر می‌کنیم باید در عالم خارج از ذهن ما وجود داشته باشد وگرنه ما ذات کامل را تصوّر نکرده‌ایم. اشکال تقریر اول آن است که از طرفی لازمه وجود داشتن ذات بزرگتر آن است که ما آن را تصوّر کرده باشیم و یا لازمه وجود نداشتن ذات بزرگتر آن نیست که ما آن را تصوّر نکرده باشیم از طرفی دیگر ذات بزرگتر چه در عالم خارج از ذهن تحقق داشته باشد و چه صرفاً تحصیل ذهنی داشته باشد تصوّر ما از ذات بزرگتر تصوّر ما از ذات بزرگتر است. بنابراین از تصوّر ذات بزرگتر نمی‌توان وجود خارجی آن را استنتاج کرد، زیرا واقعیت خارجی از تصوّر و مفهوم آن استنتاج نمی‌شود.

تقریر دوم آن است که ذات بزرگتر را در عالم خارج از ذهن فرض نماییم سپس بگوییم این ذات بزرگتر مفروض خارجی باید وجود داشته باشد وگرنه ذات بزرگتر نخواهد بود. اشکال تقریر دوم آن است که در آن وجود به منزله یک صفت عارضی بر ذات بزرگتر فرض شده است و حال آن که تفکیک ذات و صفت در ظرف خارج اشتباه

۱. ر. ک. فلسفه دین، ص ۲۴۵.

محض است، زیرا اشیای خارجی با قطع نظر از وجود فاقد ذات‌اند، پس اگر وجود از ذات اشیاء منفک گردد دیگر چیزی برایشان باقی نخواهد ماند. بنابراین تقریر دوم برهان که در آن وجود به عنوان صفت عارضی تلقی شده است مخدوش و مردود می‌باشد.

### طریق صحیح اقامه برهان

علامه شهید مرتضی مطهری رضوان الله تعالی علیه پس از رد برهان آنسلم راه صحیح اقامه برهان از طریق وجود را برهان صدیقین که در آن از حقیقت وجود پی به وجود خدا و از وجود خدا پی به صفات او برده می‌شود می‌داند،<sup>۱</sup> به عبارت دیگر کاملترین و مطمئن‌ترین راه برای اثبات وجود خداوند آن است که گفته شود خارج از ذهن ما حقیقتی وجود دارد و این حقیقت که نفس وجود است عین بزرگی، جلال، عظمت، وجوب و استقلال است. بنابراین با برهان صدیقین هم وجود خداوند و هم صفات ثبوتی او به اثبات می‌رسد.

### انتقاد جوادی آملی

قدیس آنسلم خدا را نخست به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» تعریف می‌کند سپس اظهار می‌دارد که خدا بنا بر تعریف علاوه در ذهن آدمی باید در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق، تحصیل و وجود داشته باشد و گر نه هرگز «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» نخواهد بود و اگر «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» در عالم خارج تحقق نداشته باشد خلف و تناقض لازم می‌آید. بنابراین خداوند علاوه بر آن که در عالم اذهان آدمیان به صورت مفهوم و تصور تحقق و تحصیل دارد باید در عالم خارج از اذهان نیز به صورت عینی و واقعی وجود داشته باشد.

اشکالی که حضرت آیه‌الله جوادی آملی دامت برکاته بر برهان آنسلم وارد می‌سازد آن است که در برهان مزبور بین مفهوم و مصداق وجود یا کمال مطلق و یا بزرگترین خلط شده است. توضیح مطلب مزبور آن است که مفهوم بزرگترین و یا برترین اعم از آن که در عالم خارج از ذهن آدمی مصداق و مابازایی داشته باشد و یا فاقد مصداق عینی و خارجی باشد دارای ذات و ذاتیات است، به عبارت دیگر مفهوم بزرگترین یا کمال مطلق اعم از آن که به حمل شایع صناعی صادق باشد و یا کاذب به حمل اولی ذاتی واجد ذات و ذاتیات

۱. ر. ک. اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۵ صص ۹۶-۹۵ / سیری در ادله اثبات وجود خدا صص ۱۵۷-۱۵۶.

خویش می‌باشد. بنابراین مفهوم بزرگترین و یا برترین و یا کامل‌ترین غیر از مصداق خویش است، یعنی مفهوم بزرگترین از مصداق خویش متمایز است.

با توجه به مقدمه مزبور در برهان آنسلم که می‌گوید «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» اگر وجود خارجی و عینی نداشته باشد مفهوم بزرگترین شیء نخواهد بود مردود می‌باشد، زیرا وی بین مفهوم و مصداق خلط و التباس کرده است. توضیح مطلب مزبور آن است که مفهوم بزرگترین یا کامل‌ترین شیء هنگامی مفهوم بزرگترین شیء نیست که مفهوم بزرگترین شیء به حمل اولی ذاتی از آن سلب گردد و حال آن که اگر مصداق بزرگترین شیء قابل تصور در عالم خارج از ذهن تحقق و عینیت نداشته باشد هیچ خلل و خدشه‌ای به مفهوم «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» وارد نخواهد ساخت، زیرا مفهوم «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» به حمل اولی ذاتی واجد ذات و ذاتیات خویش است. بنابراین بیان آنسلم که می‌گوید اگر «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» در عالم خارج تحصیل و تحقق نداشته باشد مفهوم بزرگترین شیء نیست مخدوش است و صحیح نمی‌باشد، زیرا فقدان مصداق و مابازای خارجی هیچ خدشه و خللی به مفهوم ذهنی آن نمی‌رساند.

بدین ترتیب اگر «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» فاقد مصداق عینی و مابازای خارجی باشد خلف و تناقضی لازم نمی‌آید، زیرا «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» و «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور است» هنگامی متناقض‌اند که دارای وحدت حمل باشند و حال آن که «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» به حمل اولی ذاتی واجد کمال است اما با همین حمل هرگز کمالش را از دست نمی‌دهد بلکه با حمل شایع صناعی است که فاقد کمال می‌گردد اما اگر با یک حمل واجد کمال و با همان حمل فاقد کمال گردد تناقض و خلف لازم می‌آید.

بنابراین «مفهوم چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» به حمل اولی ذاتی مفهوم «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» می‌باشد اما به حمل شایع صناعی موجود ذهنی است و عدم مصداق و مابازا برای آن هیچ خلل و ضرری به مفهوم مزبور نخواهد رسانید، به عبارت دیگر مفهوم «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» خواه دارای مصداق عینی

باشد و خواه فاقد مصداق باشد همچنان مفهوم «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» می‌باشد نه این که اگر فاقد مصداق باشد دیگر تصور «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» بزرگترین چیزی نخواهد بود که بزرگتر از آن قابل تصور نباشد. پس «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» اگر فاقد مصداق باشد همان چیزی است که بزرگتر از آن قابل تصور نیست، زیرا نداشتن مصداق هیچ خدشه‌ای در آن مفهوم ایجاد نخواهد ساخت.<sup>۱</sup>

### برهان وجودی کمپانی

علامه کمپانی برای اثبات وجود خداوند برهانی شبیه به برهان هستی‌شناختی قدیس آنسلم ابداع نموده است. براساس دیدگاه وی خداوند بنا بر تعریف «چیزی است که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» و ما تصویری از «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» را داریم و «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» باید علاوه بر مفهوم و تصور ذهنی دارای مصداق عینی و مابازای خارجی نیز باشد و گرنه خلف و تناقض لازم خواهد آمد.

بنابراین خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» علاوه بر تصور و مفهوم ذهنی باید در عالم خارج از ذهن آدمی نیز دارای عینیت و تحقق باشد و گرنه «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» واجب نخواهد بود. پس هرگاه خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق نداشته باشد یا به جهت امتناع ذاتی است و یا به دلیل امتناع غیری است، به عبارت دیگر اگر خدا در عالم خارج از ذهن آدمی تحقق نداشته باشد یا به دلیل آن است که ممتنع‌الوجود بالذات است و یا به دلیل آن است که ممتنع‌الوجود بالغیر است.

اگر خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» ممتنع‌الوجود بالذات باشد خلف و تناقض لازم می‌آید، زیرا چیزی که واجب‌الوجود بالذات است ممتنع‌الوجود بالذات می‌گردد و امر چیزی جز خلف و تناقض نیست و اگر خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» ممتنع‌الوجود

۱. ر. ک. تبیین براین اثبات وجود خدا، صص ۱۹۵-۱۹۱.

بالغیر باشد احتیاج و افتقار ذات او به ماسوا لازم می‌آید و این امر یعنی احتیاج واجب الوجود بالذات به ماسوا چیزی جز اجتماع نقیضین نیست، زیرا خدا در حالی که واجب الوجود بالذات است ممکن الوجود بالذات می‌گردد.

برای رفع تناقض مزبور چاره‌ای جز این نیست که گفته شود که خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» علاوه بر آن که در اذهان آدمیان به صورت مفهومی تحقق دارد در عالم خارج از ذهن آدمی نیز به صورت عینی و خارجی وجود دارد. بنابراین از دیدگاه علامه کمپانی هر گاه به مفهوم و جوب به طور دقیق و عمیق نظر افکنده شود از صرف تصور دقیق آن تصدیق عینی و خارجی آن لازم خواهد آمد، به عبارت دیگر نظر دقیق و عمیق در مفهوم و جوب، وجود و حقیقت عینی و خارجی واجب الوجود بالذات را اثبات خواهد کرد. بیان منظوم وی به شرح ذیل است:

ماکان موجوداً بذاته بلا	حيث هو الواجب جل و علا
و هو بذاته دليل ذاته	اصدق شاهد علا اثباته
يقضى بهذا كل حدس صائب	لولم يكن مطابق للواجب
لكان اما هو لامتناعه	و هو خلاف مقتضى طباعه
او هو لافتقاره الى السبب	و الفرض فرديته لما وجب
فالنظر الصحيح فى الوجوب	يقضى الى حقيقة المطلوب <sup>۱</sup>

یعنی هستی غنی و مستقل و موجودی که بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه در عالم خارج وجود داشته باشد واجب الوجود بالذات نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> واجب الوجود بالذات که ذاتی مستقل و غنی بالذات است بذاته بر ذات خود دلالت می‌کند.<sup>۳</sup> وجوب وجود بهترین دلیل بر اثبات هستی خارج ذات واجب الوجود است و هر کسی که دارای عقل سلیم است

۱ الحکمة المتعالیة، شرح المنظومة (تحفة الحکیم) للعلامة کمپانی صص ۳۲۰-۳۱۸ / سیری در ادگه اثبات

وجود خدا صص ۱۳۴-۱۳۰

۲. ر. ک. شرح المنظومة، غرر الفرائد، ص ۱۴۵.

۳. ر. ک. مفاتیح الجنان، دعای صباح.

می‌تواند مفهوم و تصویری از چنین موجودی را داشته باشد و بدون هیچ مقدمه و واسطه‌ای هستی‌عینی و وجود خارجی آن را تصدیق نماید<sup>۱</sup> و حتی هر حدس صائبی نیز به حمل موجود بر واجب الوجود بالذات حکم می‌کند، به این معنا که اگر کسی موضوع قضیه «الواجب موجود» را به درستی و به طور عمیق و دقیق تصوّر نماید برای تصوّر محمول و اذعان به آن قضیه کافی و وافی خواهد بود و اگر کسی منکر قضیه مزبور باشد صرفاً به این دلیل است که وی موضوع و محمول آن را به درستی و به طور دقیق و عمیق تصوّر نکرده است.<sup>۲</sup>

بنابراین هر فرد خردمند و عاقلی می‌تواند مفهوم و تصویری از وجود و هستی مستقل و واجب الوجود بالذات - یعنی موجودی که وجود او عین ذات اوست - را داشته باشد و اگر به طور صحیح و دقیق در باره وجود آن تفکر و تأمل نماید به وجود فرد عینی و خارجی که مطابق با مفهوم و تصوّر واجب الوجود بالذات است حکم خواهد کرد، حال اگر فرض شود که مطابق مفهوم و تصوّر واجب الوجود بالذات فردی در عالم خارج از اذهان آدمیان وجود ندارد، عدم هستی‌عینی و تحقق خارجی آن ذات یا به دلیل امتناع بالذات آن است و یا به سبب افتقار و احتیاج آن به علت و حال آن که بر اساس ادله عقلی هر دو فرض مزبور باطل و مردود می‌باشد. دلیل بطلان فرض اول آن است که امتناع بالذات خلاف طبع موجود است، زیرا بحث بر سر هستی و وجود واجب الوجود بالذات است نه ممتنع الوجود بالذات، از این رو فرض امتناع بالذات واجب الوجود بالذات تناقض و خلف است.

دلیل بطلان فرض دوم آن است که افتقار و احتیاج به علت موجد از لوازم ذات ممکن الوجود بالذات است و حال آن که بحث در باره موجودی است که وجود عین ذات آن است و ذات آن مستغنی از علت و خود علت ماسوی می‌باشد، از این رو فرض افتقار واجب الوجود بالذات به ماسوا تناقض و خلف است. بنابراین تصوّر واجب الوجود بالذات نه بر ممتنع الوجود بالذات منطبق است و نه بر ممکن الوجود بالذات، بلکه فردی که وجود عین ذات اوست مطابق با تصوّر ما از واجب الوجود بالذات است، پس نظر صحیح در

۱. ر. ک. الحکمة المتعالیة، شرح المنظومة (تحفة الحکیم)، صص ۳۲۱-۳۱۸.

۲. سیری در ادله اثبات وجود خدا، ص ۱۳۲.

معنای مفهوم و تصوّر واجب الوجود بالذات ما را به حقیقتی که هستی صرف و عین هستی و مطلوب ماست و در عالم خارج از ذهن آدمی تحقّق دارد رهنمود می‌شود.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

برهان علامه کمپانی عین برهان هستی‌شناختی آنسلم نیست بلکه از جهتی شبیه آن است و از جهاتی دیگر با آن متفاوت می‌باشد؛ یکی آن که حدّ وسط در برهان آنسلم مفهوم بزرگترین است و حال آن که حدّ وسط در برهان علامه کمپانی مفهوم وجوب وجود است و چون ملاک امتیاز براهین از یکدیگر حدود وسطایشان می‌باشد پس برهان سنت آنسلم و برهان علامه کمپانی با یکدیگر تفاوت دارند، دیگری آن که آنسلم در استدلال خود اظهار می‌دارد که خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصوّر نیست» باید وجود عینی و خارجی داشته باشد اما علامه کمپانی بر آن است که خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» باید تحقّق خارجی و حقیقت عینی داشته باشد، سوم آن که از دیدگاه آنسلم بر آن است که اگر خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصوّر نیست» وجود عینی و خارجی نداشته باشد خلف و تناقض است اما علامه کمپانی معتقد است که اگر خدا به عنوان «چیزی که بذاته و بدون حیثیت تقییدیه و تعلیلیه واجب است» وجود خارجی و هستی عینی نداشته باشد خلف و تناقض خواهد بود، چهارم آن که از دیدگاه آنسلم ما واجد مفهوم و تصوّری از بزرگترین موجود هستیم اگر این مفهوم و تصوّر فاقد مصداق و مابازای خارجی و عینی باشد تصوّر بزرگترین موجود نخواهد بود اما بر اساس برهان علامه کمپانی ما مفهوم و تصوّری از واجب الوجود بالذات داریم حال اگر این مفهوم و تصوّر مابازا و مصداقی در عالم خارج از ذهن آدمی نداشته باشد تصوّر واجب الوجود بالذات نخواهد بود. بنابراین در هر دو برهان هستی‌شناختی آنسلم و علامه کمپانی از نظر دقیق در تصوّر خداوند هستی عینی ذات او استنتاج شده است با این تفاوت که خدا در برهان آنسلم بزرگترین موجود است اما در برهان علامه کمپانی واجب الوجود بالذات می‌باشد.

۱ هستی‌شناسی فلسفی شرح تحفه الحکیم صص ۴۱۷-۴۱۵



## فهرست منابع

مفاتیح الجنان.

شرح المنظومه، المحقق السبزواری، تصحیح و تعلیق آیت الله حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم مسعود طالبی، تهران، نشر ناب، چاپ اول ۱۳۷۹-۱۳۳۶ (مندرج در نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی).

شرح المنظومه، حاج ملاهادی سبزواری، منشورات مصطفوی، قم.  
الحکمة المتعالیة (شرح المنظومة «تحفة الحکیم»)، للعلامة الکمپانی، السيد محمد کاظم المصطفوی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، الطبعة الاولى.

نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.  
تاریخ مختصر فلسفه جدید، راجر اسکروتن، ترجمه اسماعیل سعادت‌تی‌خمسه، انتشارات حکمت، تهران، چاپ اول ۱۳۸۲.

هستی‌شناسی فلسفی شرح تحفة الحکیم آیه الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، غلامرضا رحمانی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸.  
مبانی و تاریخ فلسفه غرب، ر. ج. هالینگ دیل، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، سازمان انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۴.

تاریخ فلسفه، جلد دوم، فردریک کاپلستون، ترجمه ابراهیم دادجو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.

کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران.

مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا ج ۵، ملاصدرا و مطالعات تطبیقی، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.

اصول فلسفه و روش رئالیسم ۵-۱، علامه فقیه سید محمد حسین طباطبائی، مقدمه پاورقی بقلم استاد شهید مرتضی مطهری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

سیری در ادله اثبات وجود خدا، محسن غرویان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم ۱۳۷۷.

تیین براهین اثبات وجود خدا تعالی شأنه، فقیه متأله آیه الله عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.

فلسفه دین، محمد حسین زاده، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول ۱۳۷۶.

کلیات فلسفه، ریچارد پاپکین - آروم استرول، ترجمه و اضافات از دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات حکمت، تهران، چاپ سوم ۱۴۰۲ هجری قمری.

سیر حکمت در اروپا، محمد علی فروغی، انتشارات صفی علیشاه، تهران ۱۳۶۱.

کلیات فلسفه، دکتر اصغر دابه، دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ بیستم، فروردین ۱۳۸۰.  
خدا در فلسفه: برهانهای فلسفی اثبات وجود باری، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۱.

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.  
خردنامه صدرا، فصلنامه تحلیلی، علمی و پژوهشی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمد خامنه‌ای، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران.

برهان وجودی از آنسلم تا کانت، دکتر اصغر واعظی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۴.

هرم هستی «تحلیلی از مبادی هستی‌شناسی تطبیقی»، دکتر مهدی حائری یزدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۱.

مجله تخصصی کلام اسلامی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جعفر سبحانی، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق(ع)، قم.

A History of philosophy, Frederick Copleston, search press, london, paulist press, new jersey, first published 1946.

The Eyclopedia of philosophy, Paul Edwards, Macmillan Publishing Co. & The Free Press New York, Collier Macmillan Publishers Londin, reprint edition 1972.

A Selection of Philosophical Works, from: Aristotle's, Aquinas's, Leibniz's, Kant's, Hegel's and Heideggr's, Selected by M. Jahngiri Ph. D. , The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities(SAMT), Second edition: 1995.

www. noormags. com

www. pajoohe. com

www. bashgah. net